



چگونه عقب افتادن پرسپولیس در تهران محاسبات نگو نام را در قالمشهر عوض کرد؟

سبقتی که قابل جبران است

صفحه ۶

دوشنبه ۷ خرداد ۱۴۰۳ | ۱۸۱۸۱ العدد ۱۴۴۵ | ۲۷مه ۲۰۲۴ | سال شانزدهم | شماره ۴۴۸ | صفحه ۵-۵۰۰ تومان

تیتراهای امروز

«وطن امروز» در گفت‌وگو با کارشناسان به تأثیر انسجام شکل گرفته پیرامون رئیس‌جمهور شهید در انتخابات پیش رو پرداخت

رقابت در مشارکت

- حسین کنعانی مقدم: شهید رئیسی انتظار از رئیس‌جمهور آینده را بالا برد
- محمدعلی پورمختار: برای حفظ وحدت باید پا جای پای شهید رئیسی گذاشت
- محمدصادق کوشکی: همدلی جامعه قابل مقایسه با گذشته نیست

صفحه ۲

کاهش ۸۸ درصدی تورم مسکن طی یک سال گذشته

کمر تورم مسکن شکست

تحویل ۴۱۵۷ واحد مسکونی و آغاز عملیات اجرایی بیش از ۲۲ هزار واحد در استان یزد

صفحه ۳

فقدان رئیس‌جمهور شهید ابراهیم رئیسی تغییری در چارچوب در حال ظهور ائتلاف تمدنی میان روسیه، چین و ایران ایجاد نخواهد کرد

میراث رئیسی برای نظم جهانی

بارندگی‌های نرمال ۲ ماه‌اخیر وضعیت ذخایر آبی ۲۶ استان را در شرایط مناسب قرار داد

بهار بارش‌ها

افزایش ۵ درصدی حجم پرشدگی سدها نسبت به سال گذشته

صفحه ۴

نکته

اسرائیل در مخمصه جدید

مهدی بختیاری؛ عصر شبیه «بوعبیده» سخنگوی گردان‌های شهید عزالدین قسام (شاخه نظامی حماس) اعلام کرد در یک عملیات کمین، تعدادی از نیروهای نظامی اسرائیل در «جبالیا» (شمال نوار غزه) کشته شده و تعدادی نیز به اسارت نیروهای مقاومت فلسطینی درآمدند. این خسر بلافاصله با تکذیب ارتش رژیم صهیونیستی مواجه شد اما حماس به پاسخ به این تکذیبیه، تصاویر کوتاهی از کشتین یکی از همین نظامیان (در فیلم مشخص نیست فرد مورد نظر زنده است یا مرده) به داخل یکی از تونل‌های غزه منتشر کرد و تصاویر تجهیزات برخی از این افراد را هم به نمایش گذاشت.

انتشار این خبر و متعاقب آن، نمایش فیلم مذکور، موجی از نگرانی را در میان مقامات رژیم صهیونیستی و ساکنان سرزمین‌های اشغالی برانگیخت و موجب اعتراضات بیشتر درباره عملکرد دولت نتانیاهو و عدم موفقیت ارتش اسرائیل در نوار غزه شد.

رژیم صهیونیستی که هنوز نتوانسته از زیر بار سنگین شکست‌های اطلاعاتی – امنیتی از حماس در روز ۷ اکتبر (که موجب کشته شدن ۱۵۰۰ صهیونیست و اسارت ده‌ها نفر دیگر شد) کمر راست کنی، حالا باید با یک مشکل و چالش بزرگ امنیتی دیگر دست و پنجه نرم کند.

ارتش اسرائیل ۸ ماه است در غزه و شمال سرزمین‌های اشغالی (با جزئیات لبنان) درگیر است و نتوانسته هیچ دستاورد قابل قبولی به دست بیاورد.

یکی از مهم‌ترین اهداف اعلام شده توسط فرماندهان و مقامات رژیم صهیونیستی برای حمله زمینی به غزه، همین آزادی اسرای‌شان از دست حماس بود که تعداد زیادی از آنها هم در جریان بمباران‌های سنگین صهیونیست‌ها در غزه توسط ارتش اسرائیل کشته شدند.

حال ارتش این رژیم نه‌تنها نتوانسته اسرایش را آزاد کند، بلکه در جدیدترین شکست در برابر مقاومت فلسطین و حماس، تعدادی از نیروهایش را هم از دست داده و تعداد دیگری نیز به اسارت درآمدند(!) و این می‌تواند در روزهای آینده، نه تنها در شیوه پایان دادن به جنگ موثر باشد بلکه در ایام پسا جنگ نیز اسرایل را مجبور به دادن امتیازات فراوان به حماس کند؛ حماسی که اسرائیل به دنبال نابودی آن بود اما حالا اسرائیل نه به هدف خودش رسیده و نه حتی توانسته ضربات کافی به ساسخاتر نظامی – سیاسی این جنبش فلسطینی‌بزند.مقامات رژیم صهیونیستی بخوبی می‌دانند حماس براحتی از خیر امتیاز اسرا نخواهد گذاشت.

ادامه در صفحه ۶

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

۱۸۹۱سال و ۲۴۶روز گذشت |



VATAN-E-EMROOZ | VOL.16 | NO.4048 | MON.MAY.27.2024 | ISSN:2008-2886

یادداشت روز

تشییع شهیدجمهور و فرصت همبستگی

| شریف لک‌زایی ° |

هفته گذشته در آیین تشییع و خاکسپاری رئیس‌جمهورشهیدکشورمان صحنه‌هایی عجیب‌از حضور مردم رقم خورد. حضور میلیونوی مردم ایران و بروز احساسات و عواطف عمیق آنها در پی شهادت آیتالله رئیسی مساله‌ای است که بیشتر باید درباره آن مذاقه کرد. در اینجا از چند زاویه به تحلیل این مساله خواهم پرداخت.
۱- یک رویکرد این است که نگاهی اخلاقی و انسانی به قصه داشته باشیم. باید گفت مردم مس مظلوم‌دوست و انسان‌دوست و اخلاق‌مدار هستند. برداشت من این است که احساس مردم این بود که شخص اول اجرایی کشور به خاطر آنها و حل مشکل آنها به دورافتاده‌ترین قسمت‌های کشور رفته و در حال خدمت به مردم بوده و می‌خواسته مشکلی را از جامعه و مردم حل کند و به سامان برساند.

مردم در این ۳ سالی که آیتالله رئیسی سکان ریاست‌جمهوری را به دست داشت با فردی مواجه شدند که هم‌جنس خودشان بود و تلاش داشت به مردم نزدیک شود و با مردم ارتباط بیشتری برقرار کند. برداشت مردم این بود که اقدامات رئیس‌جمهور شهید در این شکل، یک بازی سیاسی یا یک فریب نیست و این عملی واقعی و خالصانه است لذا از این حیث در بزرگداشت ایشان اینگونه در صحنه حاضر شدند.

۲- نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که مردم ایران به تعبیری سیاسی‌ترین مردم منطقه و جهان هستند. اگرچه در سال‌های اخیر حضور مردم در عرصه‌های سیاسی قدری کمرنگ شده‌است اما موضوعات ملی و منافع ملی همچنان برای مردم اهمیت فوق‌العاده دارد. برداشت مردم به لحاظ سیاسی این بود که اکنون باید وارد صحنه شوند و این حادثه را که حادثه خطیری بود، پاس بدارند. چنین حادثه‌ای در هر جای دنیا ممکن است جامعه را به سمت مشکلات بیشتر و سقوط پیش ببرد اما این موضوع برای مردم ما معنای دیگری یافت و منافع ملی برای مردم اهمیت بیشتری یافت، لذا حادثه‌ای را که بسیار جانکاه بود، به یک فرصت همبستگی و انسجام ملی و اجتماعی تبدیل شد. ما این را در فضایی که رقم خورد می‌بینیم.

مردم تشخیص دادند جدا از امر انسانی و اخلاقی و عاطفی، مساله مهم‌تر در اینجا وجود دارد که حفظ و حراست دستاوردهای نظام سیاسی و خلق انسجام و همبستگی – در عین درد و رنج پیش آمده – است. در اینجا بصیرتی که مردم از خود نشان دادند خیلی فراتر از تصورات و تحلیل‌هایی بود که معمولا مطرح شود.

البته پیش از این هم مردم در حوادثی که در ۳ سال اخیر در کشور داشتیم مانند حوادث یابیز ۱۴۰۱ بلوغ خاصی از خود نشان دادند و با حرکت هنجارشکنانه همراه نشدند. واضح است اعتراض وجود دارد و هم گلابه‌ها و اعتراضات زیادی بویژه نسبت به وضعیت معیشتی و اقتصادی خود دارند و توقع‌شان این است که این مسائل حل شود اما در موقتی که دشمنان را بازگو نمی‌کند.دلیل این موضوع نیز آن است امیدوار شده بودند، مردم صحنه دیگری رقم زدند، لذا حادثه اخیر هم به جهت اهمیتی که وجود داشت در بعد داخلی و در عرصه جهانی و منطقه‌ای تأثیرات زیادی برای ما به همراه داشت، لذا آنچه من از حضور مردم فهم کردم و آنچه توسط آنها خلق شد در این فضا قابل تحلیل است.

۳- اما پرسش این است: این حادثه چه فهمی از جامعه ایران به ما نشان می‌دهد و آیا باید مردم ایران را در این بزنگاه‌های تاریخی شناخت؟ اگر بخواهیم از منظر دیگری بحث کنیم، قضیه خیلی ساده‌تر از این حرف‌هاست. شاید در این مواقع استثنایی ما متوجه بلوغ مردم و فهم عمیق مردم از مسائل شده باشیم که چقدر این فهم عمیق و دقیق است. مردم ایران نشان دادند به شعارهای انقلاب اسلامی وفادار هستند. آنچه مطالبه آنها در انقلاب اسلامی بود در شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» تبلور یافته بود. آنها هنوز به این شعارها وفادارند و هر جا احساس کنند به این شعار عمل می‌شود یا کارگزاران نظامی و اداری به این ارزش‌ها پایبندی دارند و می‌خواهند از این ارزش‌ها حفاظت و حراست کنند، از آنها پشتیبانی و حمایت می‌کنند. در قوه اخیر هم همین امر مشهود بود. مسؤول اجرایی کشور وفادار به شعارهای اساسی انقلاب اسلامی تلاش می‌کرد به مشکلات مردم رسیدگی کند، لذا مردم در حمایت از او به میدان آمدند.

ادامه در صفحه ۵

عملیات غافلگیرکننده گردان‌های قسام

در جبالیا، شمال غزه

چند صهیونیست کشته و زخمی شده

یا به اسارت درآمدند

کمین وحشت

صفحه ۷

گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر «حسین میرزایی»؛ مردم‌شناس درباره پیام‌های جامعه‌شناختی تشییع میلیونی شهید رئیسی

تشییع میلیونی و غافلگیری علوم اجتماعی

■ لطفا این دوگانه عقل‌بیزاری و عقل‌غیربیزاری را مقداری بیشتر باز کنید، چرا که ممکن است تصور شود هنگامی که عقل‌بیزاری را از کنش مذکور سلب می‌کنید، آن را عملی احساسی و صرفا هیجانی فهم کرده‌اید.

این عقل‌بیزاری که می‌گویم دقیقا چیزی است که ما نه در فرهنگ و نه در دین خود آن را قبول نداریم. این عقل‌بیزاری یا کنش منطقی یک عقل‌اثبات‌گرای دنیایی و حساگر است که غرب‌مدتهاست مبنای خود را بر آن قرار داده است. به همین دلیل اگر یک جامعه‌شناس غربی بخواهد این تشییع جنازه را تحلیل کند، هیچ امکانی برای تحلیل ندارد، لذا در همه اوقات این عبارت آشنا را می‌بینیم که غربی‌ها

درساره اتفاقات درون ایران می‌گویند ما شگفت‌زده شدیم. این شگفت‌زدگی به دلیل آن است که غربی‌ها می‌خواهند با عقل‌بیزاری خود جامعه ایران را تحلیل کنند، در حالی که مبنای تحلیل جامعه ایران عقل‌بیزاری نیست. همان‌گونه‌که در فقه ما

نیز وجود دارد، عقل‌بیزاری تنها یک مورد از منابع عقلانیت دینی و منابع شناخت ما است. ■ به باور شما این رخداد خالی از عقلانیت نیست اما عقلانیت آن‌بیزاری هم نیست. پرسش من دقیقا این است: عقلانیت مستتر در چنین رخدادی را چگونه می‌شود توضیح داد؟

آن عقلی‌که در علوم اجتماعی اثباتی مطرح می‌شود، عقلی است که مبتنی بر تناسب هدف و وسیله کار می‌کند. شما هدفی را تعیین کرده و برای رسیدن به این هدف نیز وسایلی را تدارک می‌بینید، لذا این عقل مبتنی بر تضمین یک وضعیت مطلوب در این دنیا خواهد بود. چیزی که ما به عنوان عقل عملی از آن یاد می‌کنیم، همان چیزی است که در غرب به آن عقل‌بیزاری می‌گویند. لذا سخن من به معنای این نیست که آیین تشییع شهدای خدمت خالی از عقلانیت است. ما درکی از پدیده‌ها داریم که توضیح آن درک، با عقل منطقی و ابزار چندان میسر نیست. برای مثال عرض می‌کنم؛ وقتی مردم ما متوجه می‌شوند دولتی که برای آنها کار می‌کند به دور از تبلیغات برای رفاه آنان کار می‌کند، به رغم تبلیغات منفی که می‌شود و حتی ممکن بود بسیاری تا پیش از رخداد شهادت به این تبلیغات تن دهند، پس از این حادثه به یک بازاندیشی می‌رسند. خود این اتفاق نیز مهم است. اینکه این اتفاق در کجا پیش آمده تأمل‌برانگیز است. رئیس‌جمهور در نقطه صفر مرزی و در یک مسکن صعب‌العبور چه می‌کردند؟ رئیس‌جمهور چرا باید به یک نقطه مرزی بروند تا این سسد را افتتاح کنند؟ خب! این در واقع با خیلی از فاکتورهای عقل‌بیزاری قابل تبیین نیست. با عقل

شهادت آیتالله رئیسی متأثر شده‌اند. ما این را چگونه باید تبیین کنیم؟ آیا این یک رخداد معمولی است؟ یعنی علی‌القاعده آیتالله رئیسی مشغول کار خود بوده و طبق تبلیغات وضعیت نیز بشدت ناپسامان است، پس چرا باید در چنین شرایطی مردم برای شهید رئیسی و همراهان او به میدان بیایند؟ این نوعی مشروعیت‌بخشی به سیستم است. چرا این سخن را طرح می‌کنم؟ به این دلیل که در هیچ جای دنیا یا حداقل در آن کشورهایی که از عقل‌بیزاری استفاده می‌کنند، برای یک سیاستمدار اینگونه به صحنه نمی‌آیند. یعنی سیاستمدارها به صورت خیلی محدود تا تشریفاتی دفن می‌شوند اما در کشور ما این رخداد با رویکرد پار تو قابل تبیین است. ما

مرمی داریم که همه چیز را با عقل‌بیزاری اندازه‌گیری نمی‌کنند، بنابراین این مردم را نمی‌شود با عقل‌بیزاری یا با عددها به نحو عمیق شناخت. به نظر من مردم ما بعد احساسی قوی‌ای دارند، از این جهت که متوجه هستند کسانی که برای آنها کار می‌کنند، بسیار

مجاهدانه فعالیت می‌کنند. ۳ سال از این دولت گذشت اما شما داده‌ای به دست نیاوردید مبنی بر آنکه این دولت دنبال قدرت‌گرایی، حزب‌گرایی و منفعت‌طلبی است. این به نحو واضح در برخی دولت‌ها وجود داشت. دولت شهید رئیسی به نوعی فرانحاحی بود، لذا در موارد مختلف اعم از سیاست داخلی و خارجی صادقانه مسائل را تبلیغ و تبیین می‌کرد. اگر ایشان در قید حیات بودند، به نظرم سال آخر دولت ثمرات خیلی از کارهای ایشان برای همه عیان می‌شد. به نظرم این نگاه غیرتبلیغاتی و غیرنمایشی منجر به محبوبیت بیشتر آنان در میان مردم شد. دولت تمرکز خود را بر تبلیغات نمایشی نگذاشت و امیدوار بود اهدافی که پیش می‌برد، خود به خود در زندگی مردم اثراتش را عیان کند، لذا همین تبلیغات اندک نیز کافی بود تا مردم بفهمند چه کسی برای آنها کار کرده و چه کسی برای آنها کار نمی‌کند. من در روز تشییع شهید رئیسی در تهران، از خیابان جمال‌زاده که وارد خیابان انقلاب شدم، تعداد زیادی از کارگران هیکسو را دیدم که شعارهای احساسی در فقدان رئیس‌جمهور سر می‌دادند. رئیس‌جمهوری که بتواند دل کارگر و قشر محروم جامعه را به دست آورد، کار بزرگی انجام داده است؛ موضوعی که مدتها بود در کشور، ما شاهدش نبودیم. به تعبیر رهبر انقلاب که فرمودند دولت آقای رئیسی یک دولت انقلابی است، انقلابی یعنی همین که توده‌های ضعیف جامعه را در اولویت قرار داد. وقتی این صحنه کارگران هیکو را دیدم، متوجه شدم قشر ضعیف و حتی طبقه متوسط جامعه درک می‌کند نگاه دولت به قشر ضعیف چقدر درست و منطقی است.

گفت‌وگو

حوادثی نظیر آنچه در مراسم تشییع رئیس‌جمهور شهید کشورمان رخ داد، از جمله امور مهمی است که هرچه از زمان آن دورتر می‌شویم، ابعاد بیشتری از ژرفای خود را به ما می‌نمایاند. به باور برخی چنین حوادثی این ظرفیت را برای ما ایجاد می‌کند که مقداری از روزمرگی‌ها دور شده و نگاهی جدید به جامعه ایرانی در پرتو این حوادث ببنداریم. از همین رو با دکتر حسین میرزایی، مردم‌شناس و عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی به گفت‌وگو پرداختیم.

■ توضیح جامعه‌شناختی شما از تشییع‌های باشکوه و میلیونی برای شهید رئیسی چیست؟ به باور شما این تشییع‌ها چه پیامی را در باره جامعه به ما منتقل می‌کند؟

پیش از ورود به سوال شما نکته‌ای که باید طرح کنم رابطه میدان جامعه‌شناسی با این پدیده است. با این مقدمه من بهتر می‌توانم تحلیل خود را ارائه دهم. من برای توضیح رابطه جامعه‌شناسی و رخداد اخیر از یک جامعه‌شناس کلاسیک استفاده می‌کنم به نام «ولفردو پارتو». پارتو یک جامعه‌شناس ایتالیایی است که نظریات مختلفی درباره اقتصاد و جامعه داشته و به باور من اندیشه‌های وی حاوی نکات بسیار مهمی است که کمک می‌کند به واسطه آن رخداد اخیر را توضیح دهیم. پارتو یک نگاه فردگرایی به جامعه‌شناسی داشته و شاید بحث فردگرایی روش‌شناختی نیز از همان جا آغاز شده باشد. او خیلی از کنش‌هایی را که واقعیت جمعی به نظر می‌رسند، همچون بازار، نهادها، واقعیت‌های زندگی اجتماعی و… که دارای تأثریاتی در جامعه هستند، به عنوان یک کنش فردی یا شناختی مبتنی بر کنش می‌بیند. نکته مهم در نظریه پارتو این است که تمام کنش‌های انسان منطقی و ناشی از تناسب هدف و وسیله‌انگونه که پوزیتیویست‌ها طرح می‌کنند، نیست. البته این‌جاوقتی سخن از کنش منطقی می‌شود عقل‌بیزاری مد نظر قرار دارد. چیزی که بیشتر در مکتب پوزیتیویسم طی قرون ۱۹ و ۲۰ در اروپا می‌بینیم، به همین دلیل پارتو اصلا علم جامعه‌شناسی را علم مطالعه کنش‌های غیرمنطقی انسان می‌داند. ما در این چارچوب خود به خود تمام چیزهایی را که به امور مرتبط با مذهب و معنویت مرتبط می‌شود، در حوزه کنش‌های غیرمنطقی می‌گنجانیم، یعنی همان کنش‌هایی که با عقل «این جهانی» قابل تشخیص نیست. درباره این تشییع‌های باشکوه در تبریز، تهران، مشهد و… عقل‌بیزاری پاسخگوی تحلیل آن نیست یعنی در شرایطی که الان طی ۳ سال گذشته مدام شبکه‌های خارجی بمباران تبلیغاتی کرده‌اند تا وضعیت را ناپسامان‌تر از آن چیزی که هست نشان دهند، ناگهان در مراسم تشییع رئیس‌جمهور اتفاقی رخ داده و ما جمعیت پرشماری از مردم را حاضر می‌بینیم. طبق تحقیقات بیش از آزاری که برای ایشان به صندوق ریخته شده، از